

# مناجات شعبانیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بارالها، بر محمد و آل محمد درود فرست

و اَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اَسْمَعُ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ

و دعای مرا بشنو چون تو را بخوانم و ندای مرا

بشنو آن گاه که تو را صدا زدم

وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ

و به من توجه فرما آنگاه که با تو نجوا کنم چرا

که من به سوی تو گریخته‌ام

وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ

و در پیشگاه تو ایستاده‌ام در حالی که به درگاہت

ذلیلانه زاری و تضرع می‌کنم

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي

و در حالی که به پاداش خیری که نزد توست امید

دارم و از دلم آگاهی

وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

و از حاجتم باخبری و نهانم را می‌دانی و امر

بازگشت به آخرت و منزلگاه ابدی‌ام بر تو پوشیده

نیست

وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَ أَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ

طَلَبَتِي

و آنچه را می‌خواهم به زبان آرم از تو مخفی

نیست و آنچه را می‌خواهم از خواهش خویش بازگو  
کنم، از تو پنهان نیست

و أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي و قد جَرَت مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي  
فِي مَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمُرِي

و آنچه را برای حسن عاقبتم به تو امید بسته‌ام، بر  
تو پوشیده نیست؛ چراکه — ای سرور من — حکم  
تقدیر از سوی تو، درباره آنچه از من تا آخر عمرم  
سر می‌زند، بر من جاری شده است

مِن سَرِيرَتِي و عَلَانِيَتِي و بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ  
زِيَادَتِي و نَقْصِي و نَفْعِي و ضَرِّي

در هر آنچه در نهان و آشکار از من سر می‌زند و  
همه فزونی و کاستی، و سود و زیان من، تنها به دست  
توست، نه غیر تو.

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي

معبود من، اگر مرا محروم کنی، پس چه کسی مرا  
روزی دهد؟

و إِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

و اگر مرا واگذاری و یاری‌ام نکنی، پس چه کسی  
یارم دهد؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ و حُلُولِ سَخَطِكَ

الهی، از غضبت و فرود آمدن خشمت، به تو پناه  
می‌برم.

إلهي إن كنتُ غيرَ مُستأهلٍ لِرحمتِكَ فأنتَ أَهلٌ أن  
تَجودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا! اگر من لایق رحمت تو نیستم، اما تو  
سزاواری که بر من، با فراوانیِ فضلت بخشش کنی.

إلهي كَأني بِنَفسي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ و قد أَظَلَّها حُسْنُ  
تَوَكُّلي عَلَيكَ

معبود من! گویا خود را می بینم که اکنون در  
پیشگاهت ایستاده ام، در حالی که حُسن اعتماد به  
تو، بر وجودم سایه لطف انداخته

فَقُلْتَ ما أنتَ أَهلُهُ و تَغَمَّدتني بِعَفْوِكَ

پس تو آنچه را شایسته آنی با من به جا آوردی و  
مرا با عفو خویش در بر گرفتی.

إلهي إن عَفَوْتَ فَمَن أُولى مِنكَ بِذَلِكَ

معبودم، اگر عفو کنی، کیست که از تو سزاوارتر  
به عفو باشد؟!

و إن كانَ قَد دَنَا أَجَلي و لَم يَدِنني مِنكَ عَمَلي

و اگر اجل من نزدیک شده و عملم مرا به تو  
نزدیک نکرده باشد،

فَقَد جَعَلتُ الإقرارَ بِالذَّنْبِ إِلَيكَ وَسِيلَتِي

پس همانا اعترافم به گناه را وسیله خویش  
به سوی بارگاہت قرار دادم.

إلهي قَد جُرْتُ عَلَي نَفسي في النَّظرِ لَها فَلَها الوَيلُ  
إن لَم تَغفِر لَها

خدای من، من در توجه به نفس خویش بر خود

ستم نموده‌ام، پس وای بر من اگر مرا نیامرزی!

إلهي لم يزل بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ  
عَنِّي فِي مَمَاتِي

الهی، همچنان که نیکی‌ات بر من در تمام مدت

زندگی پیوسته بود، پس از مرگ نیز نیکی خویش را

از من قطع مکن.

إلهي كَيْفَ آيسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ  
أَنْتَ لَمْ تَوَلِّني إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

پروردگارا، چگونه از حسن توجّهت پس از

مرگم ناامید شوم؟ حال آنکه در تمام عمر جز

به خوبی با من رفتار نمودی!

إلهي تَوَلَّيْتُ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ  
عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ

خداوندا، امر مرا برعهده گیر چنان که شایسته

توست و با فضل و کرم خویش بر من ترحّم نما، بر

گنهکاری که در جهل خود فرو رفته است.

إلهي قَدْ سَتَّرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى  
سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى

پروردگار من، در این دنیا گناهانی را از من

پوشانیدی، و حال آنکه به پوشاندن آنها از سوی تو

در آخرت محتاج‌ترم.

إلهي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ

الهی، به من لطف و احسان نمودی که گناهانم را  
 برای هیچ‌یک از بندگان صالحت آشکار نمودی  
**فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ**  
 پس در روز قیامت نیز در حضور همگان مرا  
 رسوا مفرما.

**إِلَهِي جُودُكَ بَسِطَ أَمَلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي**  
 خدایا، جود و بخشش تو امید مرا زیاد نموده، و  
 عفو تو از عمل من برتر و والاتر است.

**إِلَهِي فَسِّرْ لِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ**  
 پس خدای من، در آن روز که بین بندگان  
 داوری می‌کنی، مرا با لقای خود شاد گردان.

**إِلَهِي اعْتِذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنِ قَبُولِ  
 عُذْرِهِ**

معبودا، عذرخواهی من از تو، عذرخواهی کسی  
 است که به قبول عذرش سخت نیازمند است

**فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ**  
 پس عذر من را بپذیر! ای کریم‌ترین کسی که  
 بدکاران از او پوزش طلبیده‌اند!

**إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَ لَا تُحَيِّبْ طَمَعِي وَ لَا تَقْطَعْ  
 مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي**

بارالها، حاجتم را رد مکن و چشم طمع مرا نومید  
 مساز، و امید و آرزویم را از خود قطع مفرما.

إلهي لو أردت هواني لم تهديني و لو أردت  
فضيحتي لم تُعافيني

معبود من، اگر خواری مرا می خواستی، هدایتم  
نمی کردی؛ و اگر رسوایی ام را می خواستی به من  
عافیت نمی بخشیدی.

إلهي ما أظنك تردني في حاجةٍ قد أفنيتُ عمري في  
طلبها منك

خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی  
که عمرم را در پی آن سپری کردم، ناامید کنی!

إلهي فلك الحمدُ أبداً أبداً دائماً سرمداً

پس خدای من، ستایش و سپاس مخصوص  
توست، ستایشی ابدی و همیشگی، و دائمی و  
سرمدی

يزيدُ و لا يبيدُ كما تُحبُّ و ترضي

ستایشی که فزونی یابد و فنا نپذیرد، آن گونه که  
دوست داری و می پسندی.

إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتكَ بعفوك و إن  
أخذتني بذنوبي أخذتكَ بمغفرتك

بارالها، اگر بنا بر جرمم با من تعامل کنی، من با  
عفوت به تو روی آورم، و اگر بر گناهم مرا مؤاخذه  
کنی، من به آمرزشت بنگرم

و إن أدخلتني النارَ أعلمتُ أهلها أنني أحبُّك

و اگر مرا به دوزخ اندازی، به اهل جهنم اعلام

خواهم کرد که من تو را دوست دارم!

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ  
فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

خداوندا، اگر برای طاعت تو، عملم اندک است،

اما در کنار امید به تو، آرزویم بزرگ است.

إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَ قَدْ  
كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

الهی، چگونه از درگاه لطف تو نومید و محروم

بازگردم؟ و حال آنکه به جود و بخشش تو

خوش گمانم که مرا نجات یافته و بخشوده از درگاه

لطفت بازگردانی.

إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنكَ وَ  
أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ

خدای من، من عمرم را در غرور غفلت از تو،

نابود کردم؛ و جوانی ام را در مستی دوری گزیدن از

تو فرسوده ساختم.

إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَ رُكُونِي إِلَى  
سَبِيلِ سَخَطِكَ

خداوندا، من هنوز هم در روزگار خواب غفلت

از تو، و میل به مسیر مورد غضبت به سر می برم و

بیدار نشده ام.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ  
بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ



پروردگارا، من بندهٔ تو و فرزند بندهٔ توام، در  
پیشگاه تو ایستاده‌ام؛ و لطف و کرم تو را وسیلهٔ خود  
به درگاهت قرار داده‌ام.

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ  
قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ

معبودا، من بنده‌ای هستم که به عذرخواهی به  
درگاهت آمده‌ام؛ عذرخواهی از گناهان زشتی که  
به واسطهٔ بی‌حیایی در حضورت مرتکب شده‌ام

و أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكْرَمِكَ  
و از تو عفو و بخشش می‌طلبم؛ زیرا بخشش،  
توصیف‌کنندهٔ کرم توست!

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقَلَ بِهِ عَنِ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا  
فِي وَقْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ

الهی، توانی ندارم که از معصیت بیرون روم، مگر  
آن زمان که برای ادراکِ محبتت، بیدارم کنی

و كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي  
كْرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ

و چنان شوم که تو خواهی تا تو را سپاس گویم  
که مرا در آستان کرم خویش وارد ساختی؛ و تا شکر  
گویم، که قلبم را از پلیدی‌های غفلت از خودت،  
پاک گردانیدی.

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ  
بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

خداوندا، مرا مانند بنده‌ای بنگر که چون او را  
خواندی اجابت نمود؛ و چون از او به‌همراه یاری  
خود، طاعت طلبیدی،

اطاعتت ورزید

يا قَرِيبًا لا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ و يا جَواذًا لا يَبْخُلُ  
عَمَّن رَجَا ثَوابَهُ

ای نزدیکی که از فریفتگان احسانش دور نیست!  
و ای سخاوتمندی که از امیدواران به ثوابش بخل  
نمی‌ورزد!

إلهي هَبْ لي قَلْبًا يَدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ و لِسَانًا يَرْفَعُ  
إِلَيْكَ صِدْقَهُ

الهی، دلی به من عطا کن، که اشتیاقش او را به تو  
نزدیک نماید، و زبانی به من عنایت کن، که  
راستگویی‌اش به‌سوی تو بالا رود

و نَظْرًا يَقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

و نگاهی که حق بودنش، آن را به تو نزدیک  
سازد.

إلهي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ و مَنْ لَأَدْ بِكَ  
غَيْرُ مَخْذُولٍ و مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ

خدای من، هر که به تو شناخته شود، مجهول و  
بی‌نام نیست؛ و آنکه به تو پناه برد، بی‌یارویاور  
نیست؛ و هر که تو به او توجه کنی، بنده دیگران

نیست.

إِلَهِي إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ  
لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ أُذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

پروردگارم، آنکه به سببِ تو راه خویش را یافت،  
راهش روشن است و هر آن کس به تو پناه جُست،  
پناه یافت. و من به درگاه تو پناه جسته‌ام، ای خدای  
من!

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبْنِي عَنِ رَأْفَتِكَ  
پس خوش گمانی‌ام به رحمتت را ناامید مکن؛ و  
مرا از پرتوی رأفت و مهربانیِ خویش محروم منما.

إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وِلايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ  
مِنْ مَحَبَّتِكَ

پروردگارا، مرا در میان اولیای خود، در جایگاه  
کسانی قرار ده که به زیادیِ محبّت امید دارند.

إِلَهِي وَ الْهَمْنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هِمَّتِي فِي  
رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا، و با ذکر خودت، شیفتگی و اشتیاق نسبت  
به یادت را به من الهام کن؛ و همّتم را به کامیابی از  
نسیم نام‌های نیکوی خودت، و جایگاهِ قُدس و پاکی‌ات  
نائل ساز.

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ  
الْمَثْوِيِّ الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

الهی، به حقّ خودت، مرا به جایگاه اهل طاعت

برسان، و به منزلگاه شایسته رضایت خویش نائل گردان

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

زیرا که من نه قدرت دارم شری را از خویش دور سازم و نه می توانم نفعی را برای خود جلب نمایم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المُذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ المُنِيبُ

الهی، من بنده ضعیف و گناه کار توام و بنده تو

هستم که به انابه به پیشگاهت آمده‌ام

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ

عَنْ عَفْوِكَ

پس مرا جزو کسانی که از آنان روی خود را

برگرداندی قرار مده؛ و [مرا از کسانی قرار مده که]

به سبب غفلت، از عفو تو در حجاب‌اند.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الانْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أُنِرْ أَبْصَارَ

قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

بار خداوندا، نهایتِ رها شدن [از غیرِ تو و

انصراف] به سوی خودت را به من عطا کن و چشمان

دل‌مان را به نورِ نظرِ به خودت نورانی فرما

حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ القُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى

مَعْدِنِ العِظْمَةِ وَ تَصِيرَ أرواحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ

تا آنجا که چشمانِ دل‌هایمان، حجاب‌های نور را

بشکافد، سپس به منبعِ عظمتِ تو واصل گردد، و

ارواح ما در حریم بهاء و قدس تو به پرواز درآید.

إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتَهُ  
فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ

خداوندا، مرا از آنان قرار ده که آنان را [به سوی  
خود] خواندی، پس تو را اجابت نمودند؛ و با  
گوشه چشمی به آنان نظر کردی، پس در مقابل  
جلالت، مدهوش گشتند

فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا

سپس با آنان در سویدای دلشان به راز سخن  
گفتی، و آنان برای تو آشکارا عمل نمودند.

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا  
انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

معبودا، من ناامیدی را بر حُسنِ ظنِّم به تو، غلبه  
نداده‌ام؛ و امیدم از بخشش زیبایت قطع نشده‌است.

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ  
عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خداوندا، اگر خطاهایم مرا از چشم تو انداخته  
است؛ پس به خاطر حُسنِ اعتمادم به تو، مرا ببخش!

إِلَهِي إِنْ حَطَّتَنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهَنِي  
الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

خدای من، چنانچه گناهان مرا از شایستگی  
عنایت‌های لُطْفَتِ ساقط کرده، اما یقینم مرا به سوی  
بزرگی عَطُوفَتِ متوجه نموده است.

إلهي إن أنامتني الغفلة عن الاستعداد للقاءك فقد  
نبهتني المعرفة بكرم آلائك

پروردگار من، و اگر غفلتم مرا از آمادگی دیدار  
تو به خواب افکنده، اما آگاهی من از نعمت‌های  
کریمانه‌ات مرا بیدار نموده است.

إلهي إن دعاني إلى النار عظيم عقابك فقد دعاني  
إلى الجنة جزيل ثوابك

خداوندا، و چنانچه کیفرِ عظیم تو، مرا به‌سوی  
آتش می‌خواند، اما پاداش فراوانت، مرا به‌سوی  
بهشت فراخوانده است

إلهي فلك أسأل و إليك أبتهل و أرغب

پس ای معبود من، من فقط از تو درخواست  
می‌کنم، و فقط به درگاه تو با ناله و زاری و شوق،  
تضرع می‌ورزم

و أسألك أن تُصلي علي محمد و آل محمد و أن  
تجعلني ممن يديم ذكرك

و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود  
فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد تو  
هستند

و لا ينقض عهدك و لا يغفل عن شكرك و لا  
يستخف بأمرك

و پیمان تو را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل  
نمی‌شوند و امر تو را سبک نمی‌شمارند.

إلهي و الْحَقْنِي بِنورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا  
و عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا و مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

خداوندا، و مرا به نور عزتت که بهجت انگیزتر از  
هرچیز است ملحق فرما تا آنکه تو را بشناسم و از  
غیر تو روی گردان شوم، و پیوسته از تو در خوف و  
مراقبت باشم.

يا ذا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دارای جلال و بزرگی، و ای صاحب کرامت  
و لطف

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ و آلِهِ الطَّاهِرِينَ و  
سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا بر فرستاده اش محمد و خاندان  
مطهرش باد، و سلام بسیار و خاص حق بر ایشان  
باد.